

حق آزادی بیان و ضوابط آن از منظر اسلام



عبدالناصر امینی^{۱*}، عتیق‌الله رحمانی^۲

چکیده

حق آزادی بیان، یکی از مسائل اساسی و بحث‌برانگیز در جوامع معاصر است، که در اسلام نیز جای‌گاه ویژه‌ای دارد. این حق به هر فرد اجازه می‌دهد تا نظرها و دیدگاه‌های خود را آزادانه بیان کند، اما در عین حال با توجه به اصول دینی و اجتماعی، محدودیت‌هایی برای آن در نظر گرفته شده است. تحقیق حاضر درصدد بررسی مفهوم و ضوابط آزادی بیان از دیدگاه اسلام بوده است. این موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا درک صحیح این حق در چهارچوب آموزه‌های اسلامی، می‌تواند به روشن‌سازی ضوابط و شرایط آن در جامعه اسلامی کمک کند. هدف اصلی تحقیق، تبیین مفهوم آزادی بیان در اسلام و روشن‌سازی ضوابط آن در راستای اصول دینی، اجتماعی و اخلاقی بوده است. پرسش‌های اصلی تحقیق شامل بررسی مفهوم آزادی بیان در اسلام، محدودیت‌های آن، ارتباط با اصول امر به معروف و نهی از منکر بوده است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است و نویسنده از منابع کتابخانه‌ای استفاده کرده و در این نگارش به تحلیل محتوایی منابع دینی، فقهی و آثار نویسندگان معاصر پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که آزادی بیان در اسلام به‌عنوان یک حق بنیادین شناخته می‌شود، اما در چهارچوب‌هایی که حفظ مصالح عمومی، نظام اجتماعی و رعایت اخلاق را در اولویت قرار می‌دهد. این تحقیق تأکید دارد که آزادی بیان در اسلام به‌عنوان وسیله‌ای برای اصلاح اجتماعی و ترویج معروف و جلوگیری از منکر عمل می‌کند.

واژه‌گان کلیدی: آزادی بیان، اسلام، ضوابط، محدودیت‌ها، اصول دینی.

^{۱*} عضو هیئت علمی دیپارتمنت مضامین پوهنتون شمول، دانش‌گاه/ پوهنتون غالب، هرات، افغانستان (نویسنده مسؤول: abdulnaseramini@ghalib.edu.af)

^۲ عضو هیئت علمی دیپارتمنت مضامین پوهنتون شمول، دانش‌گاه/ پوهنتون غالب، هرات، افغانستان (atiqullah.rahmani@ghalib.edu.af)

این مقاله تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International License منتشر شده است.



Research Article

ISSN

P: 2788-4155

E: 2788-6441



ACCESS <<https://ghalibqjournal.com/index.php/ghalibqjournal>>

DOI: <https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.14.I.2.7>

Received: 05/ 04/ 2025

Accepted: 08/ 07/ 2025

Published: 22/ 07/ 2025

PP: 149 - 170

Ghalib

The Right to Freedom of Expression and Its Regulations from the Perspective of Islam



Abdulnaser Amini^{1*}, Atiqullah Rahmani²

Abstract

The right to freedom of expression is one of the fundamental and controversial issues in contemporary societies, and it holds a special place in Islam as well. This right allows individuals to express their opinions and views freely; however, it is subject to certain restrictions in light of religious and social principles. The present study aims to examine the concept and regulations of freedom of expression from the perspective of Islam. This issue is of particular importance, as a correct understanding of this right within the framework of Islamic teachings can help clarify its conditions and limitations in an Islamic society. The main objective of the study is to explain the concept of freedom of expression in Islam and to elucidate its regulations in accordance with religious, social, and ethical principles. The central research questions include: What is the concept of freedom of expression in Islam? What are its limitations? And how does it relate to the principles of enjoining good and forbidding evil? This study employs a descriptive-analytical method, relying on library sources and conducting a content analysis of religious texts, jurisprudential references, and works by contemporary scholars. The findings indicate that freedom of expression is recognized in Islam as a fundamental right; however, it is framed by boundaries that prioritize public interest, social order, and ethical conduct. The study emphasizes that freedom of expression in Islam functions as a means for social reform, the promotion of virtue, and the prevention of vice.

Keywords: Freedom of Expression, Islam, Regulations, Limitations, Religious Principles.

GHALIB (International Journal of Law, Political Science and International Relations)
Volume 14, Issue 2, 2025

^{*1} Faculty Member, Department of University-wide Subjects, Ghalib University, Herat, Afghanistan
(Corresponding Author: abdulnaseramini@ghalib.edu.af)

² Faculty member, Department of University-wide Subjects, Ghalib University, Herat, Afghanistan
(atiqullah.rahmani@ghalib.edu.af)



۱. مقدمه

حق آزادی بیان یکی از مهم‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین مسائل جوامع بشری در دنیای معاصر است. این حق که به‌عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق بشر شناخته می‌شود، به هر فرد اجازه می‌دهد که در مورد موضوعات مختلف نظر خود را آزادانه بیان و به دیگران انتقال دهد. باتوجه به ماهیت ویژه و حساس این حق، آزادی بیان همواره موضوعی موردتوجه و بحث در جوامع مختلف بوده و هم‌چنان در معرض نقد و بررسی قرار داشته و دارد.

در اسلام نیز، آزادی بیان از اهمیت بالایی برخوردار است. فرد مسلمان در چهارچوب این حق می‌تواند حقایق دین، نصایح و خیرخواهی‌های خود را به دیگران ابراز کند و در راستای منافع اسلام و مسلمانان گام بردارد. از آن‌جا که اسلام بر اصول امر به معروف و نهی از منکر تأکید ویژه‌ای دارد، آزادی بیان به‌عنوان ابزاری برای نصیحت، ارشاد، موعظه و بیان حقیقت شناخته می‌شود. این امر نه‌تنها در راستای تحقق مصالح فردی و اجتماعی است، بل که به حفظ نظام عمومی و ترویج اخلاق در جامعه نیز کمک می‌کند.

تحقیق حاضر در نظر دارد تا حق آزادی بیان و ضوابط آن را از دیدگاه اسلام مورد بررسی قرار دهد. این موضوع اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چرا که درک دقیق و جامع از آزادی بیان در پرتو آموزه‌های اسلامی می‌تواند به فهم بهتر حدود و شرایط این حق در جامعه اسلامی کمک کند و راهکارهایی برای تطبیق آن با نیازهای روز جامعه فراهم آورد. هدف اصلی این تحقیق تبیین مفهوم آزادی بیان در اسلام و روشن‌سازی ضوابط و شرایط آن در چهارچوب اصول دینی، اجتماعی و اخلاقی است.

در پیشینه این تحقیق، آثار و مقالات متعددی به زبان عربی نگاشته شده است، که بیش‌تر مورد توجه نگارنده بوده‌اند. در زبان فارسی نیز می‌توان به مقاله‌یی با عنوان «ضوابط آزادی بیان در ادبیات قرآن کریم با تأکید بر آرای مفسران فریقین» اثر دکتر محمدحسین محمدی و احمد فصیحی اخلاقی اشاره کرد، که در فصلنامه علمی-پژوهشی غالب (دوره سیزدهم، شماره ۴۵، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳) منتشر شده است. این مقاله با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، تفسیر موضوعی استنتاجی و ابزار کتابخانه‌یی، مشابهت قابل‌توجهی با تحقیق حاضر دارد. یافته‌های این پژوهش‌گران - که بر اساس ادبیات قرآن کریم به‌دست آمده است - نشان می‌دهد که در اسلام تردیدی در اصل آزادی تبیین افکار و عقاید وجود ندارد؛ باین‌حال، «آزادی بیان» به‌صورت مطلق و بدون هیچ‌گونه محدودیت، نه منطقی است و نه مورد تأیید است؛ بل که رعایت حدود الهی، معیارهای عقلی و مصالح اجتماعی، الزامی دانسته شده است و بیان‌هایی که منجر به تنش، تفرقه، شایعه‌پراکنی، توهین، تمسخر یا فساد فردی و اجتماعی شود، ممنوع شمرده می‌شود.

گرچه تحقیق حاضر با برخی از آثار پیشین در موضوع مشترک است، اما با تمرکز ویژه بر پیوند آزادی بیان با نظام ارزشی اسلام و تأکید بر چهارچوب‌های اخلاقی و فقهی، سعی دارد به تبیینی جامع‌تر و کاربردی‌تر از این موضوع دست یابد. این نوشتار بر آن است تا به این پرسش‌ها پاسخ دهد که مفهوم آزادی بیان در اسلام چیست و چه جای‌گاهی در آموزه‌های دینی دارد؟ ضوابط و محدودیت‌های آزادی بیان در اسلام کدام‌ها هستند و چه‌گونه در چهارچوب‌های اخلاقی و اجتماعی تبیین می‌شوند؟ آزادی بیان چه‌گونه با اصول امر به معروف و نهی از منکر در اسلام ارتباط دارد؟ این تحقیق محدود به تحلیل محتوایی اصول آزادی بیان در منابع اسلامی بوده و از نوع توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع مکتوب کتاب‌خانه‌یی (دینی، فقهی و آثار نویسندگان معاصر) فراهم می‌گردد.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهند که آزادی بیان در اسلام نه تنها به عنوان یک حق، بل که به عنوان ابزاری برای ترویج اخلاق و اصلاح اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. اسلام این آزادی را در چهارچوبی می‌بیند که حفاظت از مصالح عمومی، نظام اجتماعی و رعایت اخلاق را در اولویت قرار می‌دهد. آزادی بیان در اسلام هم‌چنین به عنوان وسیله‌یی برای امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح جامعه به کار می‌رود. علاوه بر این، اسلام آزادی بیان را به عنوان یک حق بنیادین می‌شناسد، اما آن را با محدودیت‌هایی برای حفظ مصالح عمومی و دینی روبه‌رو می‌کند.

۲. مفهوم‌شناسی

در رابطه با مفهوم «آزادی بیان» دیدگاه‌های متعددی مطرح شده است. هر اندیشه‌مند و نویسنده‌یی، متناسب با رشته، تخصص و زاویه نگاه خود، تعریفی خاص از این مفهوم ارائه کرده است؛ با این حال، از میان تعریف‌های موجود که با رویکرد این پژوهش سازگارتر است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

نخست، ابراهیمی، آزادی بیان را چنین تعریف می‌کند: «آزادی بیان حقی طبیعی برای همه افراد آدمی است که به مقتضای انسان بودن خود، به‌طور یک‌سان از آن برخوردار و به موجب آن در بیان اندیشه و فکر خود، تا جایی که موجب نقض حقوق دیگران و اصول ارزشی مورد احترام جامعه نشود، مجاز است» (ابراهیمی، ۱۳۶۸: ۲۷۰)؛ هم‌چنین، مجمع فقه اسلامی وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی، در تعریفی جامع، چنین آورده است: «المقصود بحرية التعبير عن الرأي: تمتع الإنسان بكامل إرادته في الجهر بما يراه صواباً، ومحققاً النفع له وللمجتمع، سواء تعلق بالشؤون الخاصة أو القضايا العامة/ منظور از آزادی بیان این است که هر فرد، آن چه را برای خود و جامعه صحیح و سودمند می‌پندارد، با

اراده کامل اظهار نماید؛ چه این دیدگاه به امور شخصی مربوط باشد، و چه به مسائل عمومی^۱. نیز دکتر محمد مصطفی الزحیلی^۲ فقیه برجسته سوری آزادی بیان را چنین تعریف می‌کند: «آزادی بیان این است که هر انسان بتواند دیدگاه خود را با ابزار مختلف بیان اظهار کند؛ هم‌چنان بتواند نظر خود را در رابطه با سیاست‌های حاکم که به نفع و خیر آنان وابسته است را بیان دارد» (زحیلی، ۲۰۱۱: ۳۷۵).

بر اساس این تعریف‌ها، می‌توان مؤلفه‌های اصلی آزادی بیان را چنین برشمرد:

۱. آزادی بیان، حق طبیعی و همه‌گانی است، که همه انسان‌ها به‌طور مساوی از آن برخوردارند؛
 ۲. این حق شامل ابراز اندیشه، نظر و نقد است؛
 ۳. این حق مشروط است به آن که اولاً منجر به نقض حقوق دیگران نشود و ثانیاً با اصول و ارزش‌های مورد احترام جامعه در تعارض نباشد.
- باین حال، به باور نگارنده، جامع‌ترین تعریف، همان است که از سوی مجمع فقه اسلامی ارائه شده است؛ زیرا به‌گونه‌ی متوازن، اراده فرد، مصالح عمومی، و گستره موضوعات قابل اظهار را در نظر گرفته است. البته به این تعریف، باید قیدی مهم افزوده شود و آن، عدم تعارض با نصوص، اصول و مبانی دینی است؛ چرا که در صورت تصادم یک دیدگاه یا بیان با ارزش‌های بنیادین دین، آن بیان از مشروعیت و جواز ابراز ساقط می‌گردد. در این پژوهش، منظور از آزادی بیان آن است که هر انسان بتواند براساس فهم و برداشت خود، دیدگاهش را با ابزارها و شیوه‌های مختلف ابراز نماید، مشروط بر این که با حق، خیر و مصلحت عمومی در تعارض نباشد. چنین آزادی‌یی، در چهارچوب اصول اسلامی، برای همه‌گان تضمین شده است.

۳. آزادی بیان از دیدگاه آیات و روایات

موضوع «آزادی بیان» یکی از مباحث مهم، حساس و گاه چالش‌برانگیز در عرصه اندیشه اسلامی به‌شمار می‌رود. منابع اسلامی، به‌ویژه قرآن کریم و سنت نبوی، ضمن تأکید بر حق اظهار نظر و بیان اندیشه، هم‌زمان به ضوابط و محدودیت‌هایی نیز اشاره دارند که با هدف صیانت از مصالح فردی، اجتماعی و دینی وضع شده‌اند. در آموزه‌های قرآنی، دعوت به تفکر، پرسش‌گری، گفت‌وگو، مشوره،

^۱. مصوبه شماره ۱۷۶ (۱۹/۲) مجمع جهانی فقه اسلامی وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی، ۱۴۳۰هـ/ ۲۰۰۹م.

^۲. دکتر محمد مصطفی الزحیلی، فقیه و اندیشمند برجسته مسلمان سوری، در سال ۱۹۴۱ میلادی در یکی از محلات ریف دمشق به دنیا آمد. وی در سال ۱۹۷۱ میلادی موفق به اخذ درجه دکترا در رشته فقه و قانون از دانش‌کده شریعت و حقوق دانش‌گاه الأزهر گردید و این مدرک را با رتبه «الشرف الأولی» (برترین رتبه علمی) دریافت کرد. از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶ میلادی، به‌عنوان معاون دانش‌کده شریعت و مطالعات اسلامی در دانش‌گاه شارجه امارات متحده عربی فعالیت داشت. زحیلی آثار متعددی در زمینه‌های فقه، اصول فقه، تاریخ اسلام، تاریخ ادیان و دیگر حوزه‌های علوم اسلامی به رشته تحریر درآورده و یکی از چهره‌های علمی تأثیرگذار جهان اسلام در دهه‌های اخیر به‌شمار می‌رود.

نقد درونی و بیرونی، و هم‌چنین دعوت به گفت‌وگوی مسالمت‌آمیز، از جلوه‌های مهم به‌رسمیت‌شناختن آزادی بیان هستند؛ باین‌حال، آیات متعددی نیز به لزوم رعایت ادب در کلام، پرهیز از تهمت، شایعه‌پراکنی، غیبت، و گفتار فتنه‌برانگیز هُش‌دار می‌دهند. در سنت پیام‌بر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و سیره خلفای راشدین نیز نمونه‌هایی از فضای باز انتقاد، نصیحت حاکمان، امر به معروف و نهی از منکر و گفت‌وگوی آزاد در چهارچوب اخلاق اسلامی مشاهده می‌شود. در ادامه، به‌صورت اجمالی، به تحلیل برخی از آیات و روایات مرتبط می‌پردازیم تا دیدگاه اسلام دربارهٔ حدود و ضوابط آزادی بیان روشن‌تر گردد.

۳-۱. آزادی بیان از دیدگاه قرآن کریم

قرآن کریم در موارد متعددی، فضای اظهار نظر، گفت‌وگو و پرسش‌گری را به رسمیت شناخته و آن را به‌عنوان یکی از جلوه‌های خردورزی و ارادهٔ آزاد انسان مورد توجه قرار داده است؛ ازجمله اولین مباحثهٔ فرشته‌گان با خداوند متعال در رابطه با آفرینش و خلافت آدم علیه‌السلام، چنان‌که می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ/ و (به یاد بیاور) هنگامی را که پروردگارت به فرشته‌گان گفت: من در زمین جانشینی قرار خواهم داد. گفتند: آیا کسی را در آن قرار می‌دهی که در آن فساد و خون‌ریزی کند؟ ما تسبیح و حمد تو را به‌جا می‌آوریم و تو را تقدیس می‌کنیم. پروردگار فرمود: یقیناً من می‌دانم آنچه را که شما نمی‌دانید» (البقره: ۳۰). در این آیه، قرآن گفت‌وگوی آزاد میان خداوند و فرشته‌گان را روایت می‌کند؛ فرشته‌گان پس از اطلاع از ارادهٔ الهی برای انتخاب خلیفه در زمین «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»، با طرح پرسشی نسبت به پیامدهای احتمالی آن، دیدگاه خود را مطرح می‌سازند «أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ»؛ و خداوند متعال نیز بدون منع آنان از بیان نظر، پاسخ خویش را با تأکید بر علم خاص خود بیان می‌فرماید. برخی مفسران این آیه را نشانه‌یی از مشروعیت اصل «بیان نظر» در فضای گفت‌وگوی ربانی دانسته‌اند.

از این منظر، می‌توان چنین استنباط کرد که قرآن کریم، فضای گفت‌وگو و اظهار نظر را حتا در محضر خداوند متعال، امری مذموم تلقی نکرده، بل که آن را زمینه‌یی برای روشن‌شدن حقیقت و تبیین حکمت الهی قرار داده است. این روی کرد، می‌تواند پشت‌وانه‌یی برای اصل «آزادی بیان مسؤولانه» در چهارچوب آموزه‌های اسلامی باشد.

یکی از بسترهای اساسی تحقق آزادی بیان در آموزه‌های اسلامی، فریضهٔ امر به معروف و نهی از منکر است. این فریضه، بر پایهٔ مسؤولیت اجتماعی هر مسلمان استوار است و نقش فعالی برای او در فضای عمومی قائل می‌شود. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ

وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ / و باید از میان شما، گروهی باشند که (مردم را) به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آناند که رستگارانند» (آل عمران: ۱۰۴). این آیه نشان می دهد که اسلام نه تنها بیان نظر و نقد را به رسمیت می شناسد، بل که آن را در قالب یک وظیفه جمعی و دینی بر دوش بخشی از اُمت قرار داده است. امر به معروف و نهی از منکر، در حقیقت نوعی مشارکت فعال در هدایت جامعه، اصلاح رفتارها و نظارت اجتماعی از مسیر بیان آزاد، ولی مسؤولانه است. علامه محمد ابوزهره^۱ در تفسیر این آیه می نویسد: «منظور از امر به معروف و نهی از منکر نشر اندیشه اسلامی، بیان حقایق دینی، توجیه و جذب افراد به سوی آن، دفع هر آن چه که اسلامی نیست و اقامه حق و عدل می باشد» (ابوزهره، بی تا: ۳/ ۱۳۴۶).

هم چنان گاهی ممکن است افراد در مسیر بیان حق، اظهار اندیشه و امر به معروف و نهی از منکر با مشکلاتی مواجه شوند و کارشان به طبیعت برخی خوش نیاید و در نتیجه با مشکلات و مصائبی دُچار شوند، این جاست که باید ارزش کار خود را دانسته و اجری که در عوض صبر در برابر آزار و اذیت مخالفان کسب می کنند، آنان را ثابت قدم و استوار سازد. چنان که خداوند متعال در نقل قول از لقمان حکیم می فرماید: «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَضِيزْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ / ای پسر من! نماز را برپادار و امر به معروف کن و نهی از منکر کن، و بر هر آن چه به تو برسد صبر کن، بی تردید این از کارهای سترگ است» (لقمان: ۱۷).

وجه دلالت این آیات متبرک این است که خداوند متعال به همه مؤمنان در هر جا و موقعیتی که هستند، دستور می دهد که باید مجموعه ای از آنان مردم را به سوی خیر- یعنی اسلام و احکامی که خداوند بر بنده گانش لازم نموده- فراخوانند. امر به معروف به معنای اتباع از پیامبر صلی الله علیه وسلم و دینی که به ارمغان آورده و نهی از منکر به معنای نهی از کفر، تکذیب پیامبر و آن چه که از جانب خداوند متعال آورده، می باشد (طبری، ۲۰۰۰م: ۷/ ۹۱)؛ و اگر نیک غور و بررسی گردد، این خود یکی از مجال های اظهار نظر و آزادی بیان است. هم چنان در موضوعی دیگر از قرآن کریم آمده است: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ / با حکمت و پند نیکو (مردم را) به راه پروردگارت دعوت نما و با روشی که نیکوتر است با آن ها (بحث و) مناظره کن، بی تردید پروردگارت به (حال) کسی که از راه او گمراه شده است، داناتر است و نیز او به هدایت یافته گان داناتر است» (نحل: ۱۲۵). موضوع «مجادله»

۱. محمد بن احمد بن مصطفی معروف به محمد ابوزهره فقیه، مورخ، متکلم و قرآن پژوه معاصر مصری، صاحب تألیفات فراوانی در حوزه های علوم قرآن، کلام، ادیان، تاریخ، فقه و مباحث اجتماعی می باشد. وی در سال ۱۳۱۶ هـ ق در شهر «محلة الكبرى» واقع در غرب مصر به دنیا آمد. در دوران کودکی قرآن را حفظ کرد؛ در سال ۱۳۴۶ هـ ق در مدرسه «القضاء الشرعی» و «دارالعلوم» به تدریس علوم شریعت و زبان عربی پرداخت. در سال ۱۳۵۱ هـ ق به دانش کده اصول دین در «الأزهر» منتقل شد. در سال ۱۳۵۴ هـ ق با حفظ مقام استادی در دانشکده اصول دین و در دانشکده حقوق به تدریس مشغول شد و سلسله مراتب استادی را در آنجا طی کرد. وی در سال ۱۳۹۵ هـ ق درگذشت.

که در این آیه آمده، این گونه خواهد بود که دو طرف قضیه با منطق و استدلال و بدون توهین نظرات خودشان را بیان کنند و سخنان هم دیگر را بشنوند؛ یقیناً تحقق چنین امری جز در سایه آزادی بیان و اندیشه ممکن نیست؛ هم چنان در این آیه، خدای متعال به پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و سلم امر می کند که با مخالفان و آنان که دیدگاه تو را نمی پذیرند، با شیوه نیکو، جدال و بحث کن. می دانیم که گفت و گو و جدال، بدون طرف مقابل و دیدگاه مخالف، معنا ندارد. خداوند نفرمود دیدگاه حق خود را بر آنان تحمیل کن و آنان را مجبور ساز آن را بپذیرند، و نفرمود به هر نحوی که دوست داری، آنان را به دین حق فراخوان؛ بل که به ایشان امر می شود که با مخالفان، مجادله نیکو داشته باش. لازمه گفت و گو و جدال آن است که طرف مقابل بتواند سخن خویش را بیان کند و بدون هراس از صاحبان قدرت، آن را مطرح سازد و این نیز نمادی از آزادی بیان است که اصل قرآنی دارد.

۳-۲. آزادی بیان از دیدگاه سنت نبوی

سنت نبوی - علی صاحبها ألف تحية وسلام - به حیث تطبیق عملی احکام قرآن کریم و فهم سلیم تعالیم آن به شمار می آید؛ چنان که قبلاً گفتیم، قرآن کریم آزادی بیان را به رسمیت شناخته و در آیات متعددی به شرح و بیان آن پرداخته است؛ بنابراین، سنت نبوی نیز بر همین منهج سیر نموده و تفاوتی از آن ندارد. در احادیث مبارک بر اصل آزادی بیان به حیث حق هر انسان، تأکید شده است؛ از حذیفه رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و سلم فرمود: «لَا تَكُونُوا إِمْعَةً، تَقُولُونَ: إِنَّ أَحْسَنَ النَّاسِ أَحْسَنًا، وَإِنْ ظَلَمُوا ظَلَمْنَا، وَلَكِنْ وَطِّنُوا أَنْفُسَكُمْ، إِنَّ أَحْسَنَ النَّاسِ أَنْ تُحْسِنُوا، وَإِنْ أَسَاءُوا فَلَا تَظْلِمُوا/ پیرو دیگران نباشید که بگویید: اگر مردم خوبی کردند ما نیز خوبی می کنیم و اگر آنان ظلم کردند ما نیز ظلم می کنیم، بل که خود را [به نیکی] عادت دهید که اگر مردم خوبی کردند شما خوبی نمایید و اگر بدی کردند، شما ستم روا ندارید» (ترمذی، ۱۹۷۵م: ۴/۳۶۴). این حدیث شریف، انسان ها را به استقلال رأی و سلوک پسندیده تشویق و ترغیب نموده و از تبعیتی که انسان را به پیروی و تبعیت ناسالم و تقلید کورکورانه وادار کند، نهی کرده است؛ زیرا که مسلمانان هدایت و بصیرتی دارند که از قرآن و سنت سرچشمه دارد، و چنین منبع فیاضی به تبعیت ناسالم و ناروا ضرورتی باقی نمی گذارد.

ترمذی و ابن ماجه در حدیث دیگری روایت کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمود: «أَلَا لَا يَمْنَعَنَّ رَجُلًا هَيْبَةُ النَّاسِ أَنْ يَقُولَ بِحَقِّ إِذَا عَلِمَهُ/ آگاه باشید! هیچ کس نباید از هیبت مردم بترسد و به همین دلیل، از گفتن حقیقتی که به آن آگاه شده است، خودداری کند» (همان: ۴/۴۸۳- ابن

۱- ابو عیسی ترمذی گوید: «این حدیث حسن غریب است، ما آن را به جز از همین طریق نمی شناسیم».

ماجه، ۱۴۳۰ هـ: ۵ / ۱۴۱؛ این حدیث شریف به روشنی بر لزوم اظهار حق تأکید دارد و مسلمانان را به بیان آن تشویق می‌کند. پیامبر صلی الله علیه وسلم در حدیثی دیگر نیز بیان حق در برابر زمامدار ستم‌گر را برترین نوع جهاد دانسته‌اند: «إِنَّ مِنْ أَعْظَمِ الْجِهَادِ كَلِمَةً عَدْلٍ عِنْدَ سُلْطَانٍ جَائِرٍ / بی‌گمان از بزرگ‌ترین انواع جهاد، گفتن سخن حق و عادلانه نزد فرمان‌روای ستم‌گر است» (ترمذی: ۴ / ۴۷۱).

در اندیشه اسلامی، آزادی بیان صرفاً یک آموزه نظری و انتزاعی نیست، بل که از پشتوانه عملی و تاریخی برخوردار است. این اصل، نه تنها مورد تأکید آموزه‌های دینی قرار گرفته، بل که در حیات مبارک رسول اکرم صلی الله علیه وسلم و خلفای راشدین رضی الله عنهم به صورت عینی در جامعه اسلامی تحقق یافته است.

سیره نبوی نشان می‌دهد که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم حق اظهار نظر را برای تمامی افراد - اعم از مسلمانان تا مخالفان و حتا کافران - به رسمیت می‌شناختند. آن حضرت، بی‌آن که افراد را به دلیل ابراز عقیده مورد بازخواست قرار دهند، به سخنان آنان گوش می‌سپرد و در صورت صواب بودن دیدگاه، از آن بهره می‌گرفت. برخورد ایشان، تجسم عملی اصل «خُرَیة التَّعْبِیر» در چهارچوب کرامت انسانی و مصلحت عمومی بود.

در عهد رسول خدا صلی الله علیه وسلم حق آزادی بیان و اظهار نظر به همه داده شده بود، و ایشان دیدگاه هر کس که می‌خواست اظهار نظری داشته باشد، چه مسلمان صادق و چه کافر کاذب را می‌شنید و هرگز کسی را به علت نظری که داده بود، توبیخ نکرد. تاریخ سیره نبوی مملو از اعتراضاتی است که در مورد تدابیر و دستورات رسول خدا صلی الله علیه وسلم چه به حق و چه به باطل صورت گرفته است.

از جمله نمونه‌های برجسته، واقعه‌یی است که در جریان غزوة بدر، در سال دوم هجری رخ داد. زمانی که سپاه اسلام به نزدیکی چاه‌های بدر رسید و در نخستین نقطه آب فرود آمد، یکی از یاران پیامبر به نام حُباب بن منذر رضی الله عنه با جرئت تمام، نظر خود را با رسول خدا صلی الله علیه وسلم در میان گذاشت. وی پرسید: «ای رسول خدا! آیا این مکانی که در آن فرود آمده‌ای، وحی الهی است که باید از آن تجاوز نکنیم؟ یا این که مبتنی بر تدبیر بشری و تاکتیک نظامی است؟». پیامبر صلی الله علیه وسلم پاسخ دادند: «بل هو الرأی والحرب والمکیده / بل که این رأی و تدبیر جنگی است»؛ حباب بن منذر پیش‌نهاد کرد که لشکر به نقطه‌یی نزدیک‌تر به سپاه قریش منتقل شود، چاه‌های آن سو بسته شود، حوضی ساخته شده و از آب پُر گردد تا مسلمانان در نبرد پیش‌رو، برتری داشته باشند. پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز فرمودند: «لقد أشرت بالرأی / به رأی صائبی اشاره کردی»؛ و مطابق این نظر عمل فرمودند (ابن هشام، ۱۴۱۱ هـ: ۳ / ۱۶۸).

این واقعه به روشنی نشان می‌دهد که صحابه کرام رضی الله عنهم تا چه اندازه در مقابل پیامبر صلی الله علیه وسلم از حق آزادی بیان برخوردار بوده‌اند، به گونه‌ایی که هر یک از آنان می‌توانستند در مسائل مهم و حساس، دیدگاه خویش را با کمال آزادی و بدون بیم از خشم یا واکنش تند رهبر و فرمانده خویش، صریح و بی‌پرده اظهار کنند (صلابی، ۱۴۴۶ هـ: ۲/۳۶۸). این فضای باز و مشورتی، حاکی از سعه صدر رسول خدا صلی الله علیه وسلم و احترام عمیق ایشان به عقل و رأی یارانش است؛ ویژه‌گی‌یی که در ساختار نظام رهبری اسلامی جای‌گاهی رفیع دارد.

این شیوه تربیتی پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم بود که آزادی بیان و حق اظهار نظر را از سطح نظری به عرصه عمل در جامعه اسلامی منتقل کرد. در پرتو این تربیت، هر یک از اعضای جامعه اسلامی این فرصت را می‌یافتند تا بدون هراس، آنچه در دل داشتند ابراز کنند و حتی در امور مهم و سرنوشت‌ساز، دیدگاه خود را آشکارا مطرح نمایند. این تعامل بزرگوارانه، که بر مبنای احترام به عقل، کرامت انسانی و اصل مشوره استوار بود، شاگردان آن حضرت، از جمله خلفای راشدین و صحابه کرام رضی الله عنهم را نیز بر آن داشت تا در مقام رهبری و زمام‌داری، به این اصل مهم پای‌بند مانده و آن را در میان اُمت خویش ترویج نمایند. نخستین خطبه خلیفه اول مسلمانان، ابوبکر صدیق رضی الله عنه، گواه روشنی بر این استمرار در سنت نبوی است. وی پس از تصدی خلافت، در خطبه‌یی تاریخی چنین فرمود: «ای مردم! من بر شما گمارده شده‌ام، در حالی که از شما به‌تر نیستم. اگر نیکی کردم، یاری‌ام کنید و اگر بد عمل نمودم، مرا راست گردانید. راست‌گویی امانت است و دروغ خیانت. ضعیف‌ترین فرد شما نزد من نیرومند خواهد بود، تا حقیقت را از او بازستانم؛ و نیرومندترین شما نزد من ناتوان خواهد بود، تا اگر خدا بخواهد، حق را از او بگیرم» (ابن کثیر، ۱۹۸۸ م: ۶/۳۳۳). این سخن، نه تنها نمونه‌یی بارز از پذیرش نقد و نظارت مردمی در حکومت اسلامی است، بل که نشان‌گر آن است که اصل آزادی بیان، نه تنها از سوی زمامداران اسلامی پذیرفته شده بود، بل که به‌عنوان مبنای مشروعیت و سلامت سیاسی نظام اسلامی مورد تأکید قرار می‌گرفت.

در منابع حدیثی شواهد بی‌شماری وجود دارد که نشان می‌دهد رسول خدا صلی الله علیه وسلم با گفتار، رفتار و سیره عملی خویش، اصل آزادی بیان را نه تنها به رسمیت شناخته، بل که مسلمانان را به رعایت و التزام به آن فراخوانده است؛ ابوذر غفاری رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه وسلم وی را به مجموعه‌یی از فضایل و خصلت‌های نیکو توصیه فرمود و از جمله فرمود: «وَأَوْصَانِي أَنْ أَقُولَ الْحَقَّ وَإِنْ كَانَ مُرًّا» مرا سفارش فرمود که حق را بگویم، هرچند تلخ باشد» (بن حبان، ۱۹۸۸ م: ۱۹۴/۲).

۴. اصول و مبانی آزادی بیان از منظر شریعت اسلام

در منظومه فکری اسلام، آزادی بیان نه تنها به رسمیت شناخته شده، بل که در چهارچوبی مشخص و منضبط سامان یافته است. فقه اسلامی با ارائه معیارها و ضوابطی روشن، تلاش دارد تا زمینه بهره‌مندی صحیح انسان‌ها از این حق بنیادین را فراهم آورد؛ به گونه‌ای که استفاده از این آزادی منجر به آسیب به دیگران یا اخلال در ساختار اجتماعی نشود. حدود شایسته‌گی دیدگاه شریعت درباره آزادی بیان را وقتی متوجه می‌شویم که بدانیم قانون‌گذاران عرفی، پس از کسب تجارب طولانی درباره آزادی بیان، امروزه بر دو گروه تقسیم می‌شوند:

۱. گروهی عقیده دارند آزادی بیان جز آن‌جا که مخل نظم عمومی است، هیچ محدودیتی ندارد. اینان برای اخلاقیات اهمیت قائل نیستند، عمل به رأی این گروه غالباً به دشمنی و مخالفت و تخریب منتهی و باعث ایجاد جنبش‌ها و شورش‌ها و بی‌ثباتی در جامعه می‌گردد؛
۲. گروه دیگر آزادی بیان را تا آن‌جا قبول می‌کنند که با رأی حاکمان و دیدگاه آنان برای اداره جامعه مخالف نباشد. این رأی باعث مرگ اندیشه‌های آزادی‌خواهانه و طرد عناصر سالم و شایسته از دستگاه حکومتی می‌شود و نهایتاً به استبداد منجر و باعث شورش‌ها و جنبش‌های گروهی می‌گردد. دیدگاه شریعت درباره آزادی بیان جامع دو نظریه فوق است که دولت‌های جهان از آن تبعیت می‌کنند؛ زیرا نه به آزادی مطلق بیان عقیده دارد و نه آن را به‌طور کلی مقید و محدود می‌شناسد. قاعده اساسی در شریعت بر آزادی بیان استوار است و محدودیت این آزادی فقط در جایی است که برخلاف اخلاق حسنه، آداب اجتماعی، رسوم اجتماعی و نظم عمومی باشد (عوده، ۱۳۹۴: ۷۴/۱). در ادامه این نوشتار، برخی از مهم‌ترین اصول و مبانی تنظیم‌کننده آزادی بیان در چهارچوب فقه اسلامی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد:

۴-۱. اصل التزام به گفتار مشروع، اخلاق‌مدار و ارزش‌محور

یکی از اساسی‌ترین اصول حاکم بر آزادی بیان در شریعت اسلامی، التزام به رعایت مشروعیت، اخلاق و ارزش‌های دینی در گفتار است. براساس این اصل، اظهار نظر و بیان دیدگاه تنها در صورتی موجه و مشروع تلقی می‌شود که در چهارچوب ادب، صداقت، حیا و مصالح عمومی انجام گیرد. سخنی که خالی از این معیارها باشد، نه تنها مشمول حمایت شرعی قرار نمی‌گیرد، بل که ممکن است موجب بروز فساد، اختلاف و سقوط در ورطه گناه گردد. فقه اسلامی تأکید دارد که گفتار باید سازنده، عاری از تخریب و همراه با حسن نیت باشد. بر این اساس، استفاده از سخنان زشت، دشنام، دروغ، غیبت، تهمت، سخن‌چینی، تمسخر، و هر آنچه با فضیلت حیا و کرامت انسانی ناسازگار است، در بیان و نقد ممنوع شمرده می‌شود. این اصل، افزون بر بنیان‌های فقهی، ریشه در آموزه‌های صریح

[حق آزادی بیان و ضوابط آن از منظر اسلام]

غالب

قرآنی نیز دارد. خداوند متعال در آیات متعددی، بنده گان خویش را به گفتار نیک و روش مند دعوت کرده است: «وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ» و می فرماید: «وَهْدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهْدُوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ»^۱ و نیز در آیه ۵۳ سوره اسراء می فرماید: «وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»^۲ ابن کثیر در ذیل این آیه می نگارد: «خداوند متعال به پیامبر خود دستور می دهد که مؤمنان را فرمان دهد تا در گفت و گوها، مخاطبه ها و مجادلات خود، به نیکوترین اخلاق آراسته شوند و از پاکیزه ترین و زیباترین تعابیر در سخن استفاده کنند» (ابن کثیر، ۱۹۹۹م: ۶/ ۲۸).

از سویی، دین مبین اسلام، ضمن تأکید بر حق آزادی بیان، به صراحت نشر سخنان مغرضانه و بی اساس که موجبات فساد و آشوب در جامعه را فراهم می آورد، حرام و ممنوع اعلام کرده است. این نوع گفتار که سبب آتش فتنه، تخریب حیثیت افراد و سلب آرامش اجتماعی می شود، هرگز در دایره مجاز آزادی بیان قرار ندارد. خداوند متعال در سوره نور (آیات ۱۵ تا ۱۹) با لحنی هشدارآمیز چنین می فرماید: «إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِالْأَسْتِكْمِ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيئًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ (۱۵) وَلَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهِذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ (۱۶) يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۱۷ وَيُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۱۸) إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ / آن گاه که آن (شایعه زشت) را دهان به دهان فرا گرفته و با زبان خود چیزی می گفتید که علم و اطلاعی از آن نداشتید، آن را سبک و ساده می پنداشتید، درحالی که نزد خداوند (بسیار) بزرگ است. چرا وقتی آن (اتهام ناروا) را شنیدید، نگفتید: ما را سزاوار نیست زبان به این تهمت بکشاییم؛ تو را به پاکی یاد می کنیم، این بهتان بزرگی است؟! خداوند شما را اندرز می دهد که اگر مؤمن هستید هرگز به (انجام گناهی) مانند آن باز نگردید. و خداوند آیات خود را برای شما بیان می دارد، و خداوند بس آگاه و حکیم است. به راستی کسانی که دوست دارند زشتی ها و بی عفتی ها در میان مؤمنان منتشر گردد، ایشان در دنیا و آخرت عذاب دردناکی دارند، و خداوند می داند و شما نمی دانید».

این آیات ارتباط مستقیمی با قضیه افک و تهمت ناروا نسبت به اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم دارد و خداوند متعال به صراحت مسلمانان را از افتراء، تهمت، بهتان و نشر فحشا بازداشته و آن را عمل زشت خوانده است؛ هم چنان در احادیث متعددی رسول خدا صلی الله علیه و سلم به این اصل اشاره کرده و می فرماید: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا أَوْ لِيَصْمُتْ / کسی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد، سخن نیک بگوید یا سکوت کند» (نیشابوری، ۱۹۵۵م: ۱/ ۶۷). این حدیث بیان گر آن

۱. انعام، آیه ۱۵۲، ترجمه: و چون سخن می گوید، عدالت بورزید، هرچند درباره خویشاوندی باشد.

۲. حج، آیه ۲۴، ترجمه: و آنان به سوی گفتار پاکیزه هدایت شدند و به راه ستوده رهنمون شدند.

۳. اسراء، آیه ۵۳، ترجمه: و به بنده گانم بگو که سخنی نیکوتر بگویند.

است که گفتار انسان باید یا مفید و سازنده باشد یا به کلی به سکوت روی آورد. سخن نیک، سخنی است که مصلحت آن برای فرد و جامعه واضح باشد و موجب خیر و اصلاح گردد. در صورتی که فرد نسبت به منفعت یا مصلحت سخن خود تردید داشته باشد، بهتر است از بیان آن خودداری کند تا از ایجاد آسیب، سوء تفاهم یا ضرر احتمالی جلوگیری شود.

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه نیز از رسول خدا صلی الله علیه وسلم روایت کرده که فرمود: «لیس المؤمن بالطعان ولا اللعان ولا الفاحش ولا البذئ/ مؤمن بسیار طعنه زنده، لعنت گر، بدگفتار و بدکردار نیست» (ترمذی، ۱۹۷۵ م: ۳/ ۴۱۸)؛ هم چنان انس رضی الله عنه در حدیثی از آن حضرت صلی الله علیه وسلم نقل کرده: «مَا كَانَ الْفُحْشُ فِي شَيْءٍ إِلَّا شَانَهُ، وَمَا كَانَ الْحَيَاءُ فِي شَيْءٍ إِلَّا زَانَهُ/ بدزبانی در هر چه باشد آن را زشت و معیوب می گرداند و حیا در هر چه باشد آن را زینت می بخشد» (همان: ۳/ ۴۱۷).

۴-۲. اصل گفتار مسالمت آمیز و موعظه حسنه

از اصول بنیادین آزادی بیان در شریعت اسلامی، استفاده از این حق در قالب گفتار مسالمت آمیز، حکمت آمیز و همراه با موعظه حسنه است. اسلام تأکید دارد که اظهار نظر و نقد، هرگز نباید به خشونت، اکراه یا اهانت منجر شود، بل که باید در فضایی عاری از خصومت و تعصب انجام گیرد. شریعت اسلام به هر کسی این اجازه را می دهد که آنچه را می خواهد بدون آن که دشمنی ایجاد کند، بگوید. فحاشی و عیب جویی نکند، لاف نزد و کسی را قذف نکند، دیگران را با حکمت و برهان و پند نیکو به رأی و نظر خود دعوت و در آن جدال احسن را پیشه گیرد و عفت کلام را مرعی دارد. به سخن زشت آغاز نکند و از نادانان اعراض کند. تردیدی نیست که اگر کسی چنین وضعی داشته باشد، مردم تشویق می شوند که سخن او را بشنوند و به ارزیابی آن بپردازند (عوده، ۱۳۹۴ ش: ۱/ ۷۵)؛ چنان که خداوند متعال می فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»^۱ در تفسیر «فی ظلال القرآن» ذیل این آیه آمده است: «دعوت کننده باید مجادله و مباحثه را به شیوهی هر چه بهتر، و با دلایل بسی قوی تر و رساتر انجام دهد. در مجادله و مباحثه چیزی را بر طرف مقابل تحمیل نسازد، و او را خوار ندارد و زشت نشمارد، تا طرف مقابل به دعوت کننده اطمینان پیدا کند و بداند که هدف او از مباحثه و مجادله چیره شدن و غالب آمدن نیست. بل که هدفش قانع کردن و به حق رساندن است. قرآن مجید برای این که شورش و جهش دعوت کننده را کنترل و آرام کند، اشاره می کند به این که خدا از هر کسی آگاه تر و داناتر به حال فردی است که از راه خدا منحرف و گمراه گردیده است، و از هر کس آگاه تر و داناتر به حال اشخاصی است که راهیاب شده اند و

^۱ نحل، آیه ۱۲۶. ترجمه: با حکمت و پند نیکو (مردم را) به راه پروردگارت دعوت نما و با روشی که نیکوتر است، با آن ها (بحث و) مناظره کن.

به راه خدا افتاده‌اند؛ لذا ضرورتی ندارد، که در مباحثه و مجادله لجاجت شود؛ بل که آن چه لازم است بیان مطالب و مقاصد است، و جز این به خدا واگذار است» (قطب، ۱۳۸۶هـ: ۱/ ۱۸۳).

۴-۳. اصل عدم اهانت و رعایت احترام متقابل در بیان

هنگام اظهارنظر و بیان رأی لازم است، تعبیری به کار برده شود که ضرر و آسیبی را متوجه دیگران نکند؛ خصوصاً توهین به مقدسات، هتک حرمت دیگران و یا افشای اسرارشان نباشد؛ زیرا خداوند حکیم چنین تعدیی را نامشروع و حرام قرار داده و از هر عملی که باعث ریختن آب روی دیگران و توهین به آن‌ها باشد، نهی کرده است؛ چنان که می‌فرماید: «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا»^۱ در این آیه کریمه اظهار شده که خداوند متعال از گفتن سخنان ناروا به غضب می‌آید و گوینده را مورد مؤاخذه قرار خواهد داد و این قانون شامل تمام سخنان ناپسند، مثل دشنام، تهمت، توهین و... که باعث حزن و اسائه ادب به دیگران است، می‌باشد؛ و همه این موارد از جانب خداوند متعال نهی شده است. مفسران از این آیه چنین برداشت کرده‌اند، که این در گفتار تند و افشاگرانه فقط در صورت ظلم‌دیده‌گی و برای دفاع از حق است؛ آن‌هم به شرط رعایت عدالت، حفظ حدود شرعی و دوری از تعدی. براین اساس، اهانت، تمسخر، قذف، افشای رازها، و یا هر نوع بیان سخنی که موجب تخریب شخصیت دیگران گردد، خارج از چهارچوب آزادی مشروع بیان است و نه تنها جایز نیست، بل که در مواردی موجب تعزیر یا حدود شرعی می‌گردد. چنان که در آیه دیگری می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»^۲ این آیه اشاره دارد که اگر کسی کلام قبیح و زشتی را در رابطه با آب روی مؤمنان بگوید، در دنیا با مجازات حد قذف و در آخرت با عذاب دردناک مواجه خواهد شد (ابن کثیر، ۱۹۹۹م: ۶/ ۲۸).

اصل عدم توهین به دیگران به معنای عدم تعرض به اموری است، که به حیات، آب رو، جای‌گاه اجتماعی و کیان شخصیتی و مقدسات دیگران تعلق دارد، خصوصاً بحث آب رو و عزت دیگران که حرمتش با نص صریح ثابت می‌باشد، چنان که آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: «سباب المسلم فسوق وقتاله كفر/ دشنام دادن به مسلمان باعث فسق، و جنگیدن با او کفر است» (بخاری، ۱۴۲۲هـ: ۱/ ۱۹). این حدیث شریف، به صراحت بیان می‌دارد که تجاوز لفظی به شخصیت مسلمان، نشانه خروج از

۱. نساء، آیه ۱۴۸. ترجمه: خداوند بانگ برداشتن به سخنان ناروا را دوست ندارد، مگر (از جانب) آن کس که مورد ستم واقع شده باشد، و خداوند شنوای داناست.
۲. نور، آیه ۱۹. ترجمه: بی‌گمان کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در (میان) مردم (اهل اعیال) شایع شود، عذاب دردناکی برای آن‌ها در دنیا و آخرت است و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید.

مسیر تقوا و انضباط اخلاقی است. توهین نه تنها از لحاظ فقهی عملی حرام است، بلکه نشانه‌ای از انحراف در سلامت ایمان به شمار می‌آید.

در سیرت مبارک آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم مواردی را مشاهده می‌کنیم که ایشان از سب و شتم نسبت به کفار نیز برحذر داشته‌اند، به روایت ذیل که امام مسلم آن را نقل کرده توجه نمایید: عائشه رضی‌الله‌عنها گفت: گروهی از یهود نزد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم آمدند و گفتند: «السام علیک» (یعنی مرگ بر تو)، من فهمیدم و گفتم: «السام علیکم واللّٰعنة» (مرگ و لعنت بر شما)، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمود: «مهلا یا عائشه! فإن الله يحب الرفق فی الأمر کله»، (نرمی و مدارا کن ای عائشه! خداوند در همه کارها مدارا کردن را دوست دارد). گفتم: ای رسول خدا! آیا نشنیدی چه گفتند؟ فرمود: «من هم گفتم علیکم (هرچه گفتید بر شما)». (نیشابوری، ۱۹۵۵م: ۴/۱۷۰۶) سیره نبوی نشان می‌دهد که حتی در پاسخ به دشنام، باید از مرز عدالت، ادب، و حکمت عبور نکرد. پاسخ به بدی، حتی اگر در موضع مظلومیت باشد، نباید به افراط، سب، و افترا تبدیل شود. این شیوه، مرز باریکی میان آزادی در واکنش و انضباط اخلاقی در بیان است که شریعت اسلامی به زیبایی ترسیم کرده است.

نیز در تعالیم اسلامی آمده است که هنگام تعامل با غیرمسلمان کسی به تأسی از حق آزادی بیان حق توهین به معبودان آنان و لو این که معبودان باطل باشند را ندارد؛ زیرا این عمل باعث مفسده بزرگ‌تری می‌گردد که اهانت متقابل آنان به خداوند سبحان است. در آیه ۱۰۸ سوره مبارکه انعام آمده است: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ»^۱ خداوند سبحان به پیام‌برش و مؤمنان دستور می‌دهد که معبودان مشرکان را دشنام و ناسزا نگویند؛ زیرا که مشرکان نیز از روی جهالت و نادانی خود نسبت به معبود حقیقی و عداوت ناآگاهانه، خدا را دشنام می‌دهند (طبری، ۲۰۰۰م: ۹/۴۸۰).

۴-۴. مشروعیت وسیله در فرایند اظهار نظر و بیان رأی

یکی از اصول مهم در استفاده از حق آزادی بیان در شریعت اسلامی، لزوم مشروع بودن وسایل و ابزارهایی است که برای ابراز رأی و دیدگاه به کار می‌رود. شریعت اسلام تنها به مشروعیت هدف بسنده نمی‌کند، بل که وسایل رسیدن به آن هدف نیز باید از نظر شرعی مجاز و اخلاقی باشند. این اصل، مبتنی بر قاعده فقهی معروف است که می‌گوید: «الوسائل لها أحكام المقاصد»؛ یعنی ابزارها و وسایل، از حیث حکم شرعی تابع هدف و نتیجه مورد نظر هستند (الحمد، ۲۰۱۵م: ۳/۱۱).

۱. انعام، آیه ۱۰۸. ترجمه: و کسانی را که (مشرکان) به جای خدا می‌پرستند، دشنام ندهید؛ مبادا آنها (نیز) از روی دشمنی و جهالت، خدا را دشنام دهند.

براین اساس، اگرچه اظهار نظر و نقد، به عنوان هدفی مشروع و حتماً گاه واجب تلقی می شود، اما در صورتی که از ابزارهای حرام و غیرمشروع، مانند انتشار دروغ، افشای اسرار، تحریک شهوات، شکستن حرمت ها، یا بی حیایی در بیان استفاده شود، آن عمل از مشروعیت ساقط می گردد؛ زیرا در اسلام، هدف مشروع هرگز استفاده از وسایل نامشروع را توجیه نمی کند؛ و چنان که در اصول اسلامی آمده است، «الغایة لا تبرّر الوسيلة/ هدف، وسیله را توجیه نمی کند». به عنوان مثال، نقد اجتماعی از طریق فحاشی، تهمت، تحقیر شخصیت ها یا استفاده از رسانه ها و ابزارهایی که با اخلاق اسلامی در تضاد هستند، نه تنها باعث تحقق مقاصد شریعت نمی گردد، بل که خود نوعی فساد در زمین محسوب می شود و باید از آن اجتناب شود.

در همین راستا، فقیهان اسلامی تأکید دارند که هرگونه گفتار، نوشتار یا فعالیت رسانه ای که به بهانه آزادی بیان انجام می پذیرد، باید هم از نظر محتوا و هم از نظر ابزار، تابع ضوابط شرع و اخلاق باشد؛ بنابراین، اظهار نظر و بیان رأی با وسایلی که باعث مفسده و یا خدشه دار کردن حیا می گردد و یا با ارزش های دینی در تضاد است، جایز نیست؛ زیرا هدف مشروع، استفاده از وسایل نامشروع را توجیه و تبرئه نمی کند (زحیلی، ۲۰۰۶م: ۱۹).

۴-۵. اصل تحقیق و اطمینان پیش از اظهار نظر

از مهم ترین اصول شرعی در بهره گیری مشروع از آزادی بیان، التزام به تحقیق و اطمینان خاطر نسبت به صحت مطالب پیش از اظهار نظر یا نشر آن هاست. شریعت اسلام، بر پایه عدالت و حق گوئی استوار است و یکی از جلوه های این عدالت، جلوگیری از انتشار شایعات، اطلاعات نادرست و افواهات بی پایه در سطح جامعه است. کسی که قصد اظهار نظر یا نقد دارد، شرعاً مکلف است نخست از صحت منابع و درستی محتوا اطمینان حاصل کند و سپس، در صورت وجود مصلحت مشروع، آن را ابراز نماید. خداوند متعال در این باره دستور داده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ»^۱ گرچه آیه کریمه برای سبب خاصی نازل شده^۲ (بغوی، ۱۴۲۰هـ: ۴/ ۲۵۷)؛ ولی مفاد آن در حکم مشروعیت تحقیق، بررسی، درنگ و تأمل به هنگام دریافت اخبار و ترک اعتماد به سخن فاسق، عام است و هدف آن پایه گذاری

۱. حجرات، آیه ۶. ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر (شخص فاسقی خبری برای شما آورد، پس (درباره آن) بررسی (و تحقیق) کنید، تا این که (مبادا) به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید، آن گاه بر آن چه انجام داده اید، پشیمان شوید.

۲. این آیه درباره ولید بن عقبه نازل شد؛ او برای جمع آوری زکات از قبیله بنی مصطلق فرستاده شد، اما به دلیل کینه قبلی، وقتی استقبال سواران قبیله را دید، گمان برد قصد جاننش را دارند. بازگشت و به پیامبر خدا صلی الله علیه و سلم گفت که آنان از پرداخت زکات سر باز زده اند. پیامبر صلی الله علیه و سلم تصمیم به حمله گرفت، اما در همین حین، هیأتی از بنی مصطلق به مدینه رسید و حقیقت را توضیح دادند. سپس این آیه نازل شد. بعدها خالد بن ولید برای تحقیق اعزام شد و دید که قبیله نماز می خوانند و زکات را نیز تحویل دادند.

اصل کلیدی «تثبت» و تحقیق در عرصه ارتباطات اجتماعی می‌باشد؛ به‌ویژه در روزگار حاضر که ابزارهای نشر و انتقال خبر گسترش یافته‌اند، از اهمیت دوچندان برخوردار است.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم نیز در روایتی به این اصل اشاره فرموده و نسبت به اهمیت آن چنین می‌فرماید: «کفی بالمرأ کذباً أن یحدث بكل ما سمع/ برای دروغ‌گو بودن یک شخص همین کافی است که به محض شنیدن یک سخن آن را بازگو نماید» (نیشابوری، ۱۹۵۵م: ۱/ ۱۰). این حدیث زجر و توبیخ واضحی است نسبت به کسانی که به این سلوک غلط و اشتباه مبتلا هستند؛ بنابراین، پیش‌فرض مشروع بودن آزادی بیان در اسلام، پای‌بندی به دقت، تحقیق، و پرهیز از شایعه‌پراکنی است؛ اصلی که اگر رعایت نشود، به‌جای روشن‌گری، موجب گمراهی، تفرقه و آسیب‌های جدی در جامعه خواهد شد.

۴-۶. اصل رعایت عدالت در گفتار، رفتار و تعامل اجتماعی

یکی از ارکان بنیادین در نظام اخلاقی و حقوقی اسلام، لزوم رعایت عدالت در تمام ساحت‌های گفتاری و رفتاری است. شریعت اسلامی، عدل را نه‌تنها به‌عنوان یک ارزش اخلاقی، بل که به‌مثابه اصل راه‌بردی در تعاملات فردی و اجتماعی معرفی می‌کند و از مؤمنان می‌خواهد که آن را در گفتار، قضاوت، روابط اجتماعی و تصمیم‌گیری‌های روزمره لحاظ کنند. خداوند متعال در مواضع متعددی از کلام پاکش با الفاظ مختلفی مثل «عدل» و «قسط» به رعایت عدالت در گفتار، رفتار و تعامل با سایرین دستور داده است، چنان‌که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ»^۱ و نیز در آیه ۹ سوره مبارکه حجرات می‌فرماید: «وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»^۲ و در این آیات عدل و قسط به معنای میانه‌روی، انصاف (طبری، ۲۰۰۰م: ۱۴/ ۳۳۴)، و توازن و تعادل (ابن کثیر، ۱۹۸۸م: ۴/ ۵۹۵) بیان گردیده است. این آیات نشان می‌دهند که عدالت، نه‌تنها یک دستور اخلاقی، بل که یک تکلیف شرعی و الهی است که در تمام عرصه‌های اجتماعی، رسانه‌یی، فرهنگی و سیاسی باید رعایت شود. از این منظر، بیان نظر یا انتقاد، زمانی مشروع و ارزش‌مند است که با عدالت همراه باشد و از افراط، تهمت، تحقیر و جانب‌داری‌های ناروای شخصی به‌دور باشد.

نیز خداوند سبحان از ترک عدل نهی کرده و برحذر داشته است؛ حتا با کسانی که به سبب کفر، بغض با ایشان مشروع قرار داده شده است، چنان‌که می‌فرماید: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (۸) إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ

۱. نحل، آیه ۹۰. ترجمه: به‌راستی خداوند به عدل و احسان فرمان می‌دهد.

۲. حجرات، آیه ۹. ترجمه: و عدالت پیشه کنید، بی‌گمان خداوند عادلان را دوست می‌دارد.

وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَاُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ^۱ و نیز به رعایت عدل و انصاف حتا در حالت خشم و نفرت نیز امر می کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»^۲ طبق فرموده این آیه مبارکه عدل و انصاف از مبادی و اصول شرعی یی است که شریعت اسلام برای ما به ارمغان آورده و «بر مسلمان واجب است که عدالت را رعایت کند، حتا با مخالف خود گرچه کافر باشد، یعنی در گفتار و هر نوع تعامل عدالت را رعایت کرده و به ظلم، بهتان، دشنام و توهین دست نیاویزد و خبر دروغی را به کسی نسبت ندهد» (شتری، ۱۴۲۷هـ: ۲۲).

۴-۷. هدف از اظهار نظر رعایت مصلحت باشد

در منظومه فکری و حقوقی اسلام، مصلحت عمومی یکی از ارکان کلیدی در تشریع احکام و تنظیم روابط اجتماعی است. به همین دلیل، اظهار نظر و بیان دیدگاه نیز باید در راستای تحقق مصالح دنیوی و اخروی اُمت اسلامی صورت گیرد و از هرگونه گفتار یا بیانی که منجر به مفاسد، فتنه یا اختلال در نظم عمومی شود، پرهیز گردد.

شریعت اسلام در چهارچوب قواعد فقهی چون قاعده مصلحت، قاعده درء المفساد و قاعده المال (توجه به پیامدها)، به وضوح بیان می کند که هدف اصلی از احکام الهی، تأمین خیر و صلاح مردم و دفع ضرر و فساد است؛ بنابراین، این قاعده کلی شامل تمامی افعال مکلفان، از جمله گفتار و اظهار نظر نیز می شود. از این منظر، هرگونه اظهار نظر، نقد یا انتشار سخن، هنگامی مشروع و مطلوب تلقی می شود که به یکی از مقاصد شریعت، مانند حفظ دین، عقل، جان، مال یا نسل کمک نماید. در مقابل، اگر گفتار موجب برهم خوردن نظم اجتماعی، برانگیختن فتنه، ایجاد تفرقه یا هتک حرمت ها شود، از مشروعیت ساقط خواهد شد؛ حتا اگر در ظاهر «بیان حق» تلقی شود (سیداحمد، ۲۰۰۹م: ۷۲).

۵. مناقشه

یافته های این پژوهش، بر پایه تحلیل آیات قرآن، احادیث نبوی و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم نشان می دهد که شریعت اسلام - برخلاف تصور برخی مکاتب غربی - نه تنها اصل آزادی بیان را انکار

۱. محتحه، آیات ۹۸. ترجمه: الله شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در (امر) دین با شما جنگیده اند و شما را از دیارتان بیرون نکرده اند، نهی نمی کند، بی گمان الله عدالت پیشه گان را دوست دارد. تنها شما را از دوستی با کسانی نهی می کند که در (امر) دین با شما جنگیده اند و شما را از دیارتان بیرون کرده اند و بر بیرون راندن شما (دیگران را) کمک (پوشتی بانی) کرده اند و هرکس با آن ها (رابطه) دوستی بگیرد، پس آنان ستم کارانند.

۲. مائده، آیه ۸. ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید، همواره برای خدا قیام کنید و به عدالت گواهی دهید، دشمنی با گروهی، شما را بر آن ندارد که عدالت نکنید، عدالت کنید که به پرهیزگاری نزدیکتر است و از خدا ترسید، همانا خداوند به آنچه می کنید، آگاه است.

نمی‌کند، بل که آن را به عنوان یکی از حقوق بنیادین مسلمانان به رسمیت می‌شناسد. این آزادی، البته در محدوده اصولی چون اخلاق، عدالت، مصالح عمومی و حرمت انسان‌ها معنا می‌یابد و از بی‌مهری و بی‌قیدی فاصله دارد.

این نتیجه، با آنچه بسیاری از پژوهش‌گران معاصر در این زمینه گفته‌اند هماهنگ است. آنان نیز تصریح کرده‌اند که اسلام، آزادی بیان را در چهارچوب حرمت اشخاص، پاس‌داشت مقدسات و دوری از افساد و آشوب، مشروع می‌شمارد؛ باین‌حال، این نوشتار کوشیده است فراتر رود و با دسته‌بندی دقیق‌تر و نظام‌مندتری از اصول قرآنی و فقهی مرتبط، چشم‌اندازی روشن‌تر از این حق اسلامی را ترسیم کند.

درنهایت، این تحقیق تلاشی است برای سامان‌دهی علمی، اخلاقی و مفهومی آزادی بیان در پرتو شریعت اسلام، به‌گونه‌یی که بتوان از دل آن، زمینه‌یی برای گفت‌وگوی سنجیده و متقابل با گفت‌مان‌های حقوق بشری معاصر نیز فراهم ساخت.

۶. نتیجه‌گیری

پژوهش پیش رو آزادی بیان را به عنوان یک حق مشروع می‌شناسد، اما آن را بی‌مرز و مطلق نمی‌داند؛ بل که این حق را در چهارچوب‌هایی هم‌چون اخلاق، عدالت، مصالح عمومی و نظم اجتماعی محدود می‌سازد، تا از آسیب به بنیان‌های جامعه جلوگیری شود.

در مسیر پاسخ به پرسش‌های فرعی نیز نتایج گویایی به‌دست آمد:

۱. در نگاه اسلام، آزادی بیان به معنای امکان اظهار نظر و نقد منصفانه است، اما این بیان باید با نیت اصلاح، در چهارچوب ادب اسلامی و با احترام به کرامت دیگران صورت گیرد؛

۲. این حق در عین حال محدود به مرزهایی است؛ ازجمله پرهیز از دروغ‌پردازی، افترا، توهین، افشای اسرار، تحریک فتنه و بی‌حرمتی به مقدسات؛

۳. هم‌چنین ارتباط این حق با فریضه امر به معروف و نهی از منکر، بیان‌گر آن است که آزادی بیان در اسلام ابزاری برای اصلاح جامعه، هدایت جمعی و تحقق ارزش‌های توحیدی است، نه وسیله‌یی برای منازعات شخصی یا تخریب جامعه.

در جمع‌بندی می‌توان گفت که اسلام، با ترسیم چهارچوب‌هایی عقلانی و اخلاقی برای آزادی بیان، بستری فراهم کرده که در آن گفتار، نه مایه فتنه و تفرقه، بل که پلی به سوی عدالت، اصلاح و رشد جمعی باشد.

ORCID

Abdunaser Amini

<https://orcid.org/0009-0005-9635-9935>

Atiqullah Rahmani

<https://orcid.org/0009-0000-8742-9296>ارجاع به این مقاله (APA):

. امینی، عبدالناصر؛ رحمانی، عتیق الله. (۱۴۰۴). «حق آزادی بیان و ضوابط آن از منظر اسلام». فصل نامه علمی - پژوهشی غالب. ۱۴(۲). ۱۴۹ - ۱۷۰. <https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.14.I.2.7>

To Cite this Article (APA):

. Amini, Abdunaser; Rahmani, Atiqullah. (2025). "The Right to Freedom of Expression and Its Regulations from the Perspective of Islam". *Ghalib Journal*. 14(2). 149-170. <https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.14.I.2.7>

سرچشمه ها

۱. ابراهیمی، محمد. (۱۳۶۸). **درآمدی بر حقوق اسلامی**. تهران: انتشارات سمت.
۲. ابن ماجه، أبو عبدالله، محمد بن یزید. (۱۴۳۰هـ/۲۰۰۹م)، **سنن ابن ماجه**. تحقیق: شعيب الأرنؤوط و.... مصر: دار الرساله العالمیه.
۳. ابن هشام، عبدالملك بن هشام بن أيوب. (۱۴۱۱هـ). **السيرة النبوية لابن هشام**. تحقیق: طه عبد الرؤوف سعد. بیروت: دارالجيل.
۴. ابو زهره، الامام الجليل الشيخ محمد. (بی تا). **زهرة التفاسير**. قاهره: دار الفكر العربی.
۵. الحمد، عبدالرحمن بن ناصر السعدی. (۱۴۳۶هـ/۲۰۱۵م). **شرح منظومة القواعد الفقهية**. كويت: مكتبة الامام الذهبي للنشر والتوزيع.
۶. بخاری، أبو عبد الله محمد بن إسماعيل. (۱۴۲۲هـ). **الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه**. تحقیق: محمد زهير بن ناصر الناصر. بیروت: دار طوق النجاة.
۷. بغوی، أبو محمد الحسين بن مسعود. (۱۴۲۰ق)، **معالم التنزيل في تفسير القرآن (تفسير البغوي)**، تحقیق: عبد الرزاق المهدی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۸. بن حبان، ابو حاتم محمد. (۱۴۰۸هـ/۱۹۸۸م). **الإحسان في تريب صحيح ابن حبان**. تحقیق: شعيب الأرنؤوط. بیروت: مؤسسة الرسالة.

۹. بن کثیر، ابو الفداء اسماعیل بن عمر دمشق. (۱۱۴۰هـ/ ۹۸۸م). **البداية والنهاية**. تحقیق: علی شیر. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۰. بن کثیر، ابو الفداء اسماعیل بن عمر دمشق. (۱۴۲۰هـ/ ۱۹۹۹م). **تفسير القرآن العظيم**. تحقیق: سامی بن محمد سلامة. دمشق: دار طيبة للنشر والتوزيع.
۱۱. ترمذی، ابو عیسی، محمد بن عیسی. (۱۳۹۵هـ/ ۱۹۷۵م). **سنن الترمذی**. تحقیق: احمد محمد شاکر، محمد فؤاد عبد الباقي و... مصر: مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي.
۱۲. زحیلی، محمد مصطفی. (۲۰۱۱م). **الحرية الدينية في الشريعة الإسلامية أبعادها وضوابطها**. مجلة پژوهشی علوم اقتصادي وقانونی دانشگاه دمشق. شماره ۲۷.
۱۳. زحیلی، وهبه. (۱۴۲۶ق. - ۲۰۰۶م). **حق الحرية في العالم**. دمشق: دار الفكر.
۱۴. سیداحمد، معاویه احمد. (بی تا). **حرية الرأي والتعبير في التشريع الإسلامي**. مجلة شریعت و تحقیقات اسلامی، شماره ۱۳، صفر ۱۴۳۰ق. - ۲۰۰۹م، دانشکده شریعت، دانشگاه قرآن کریم و علوم اسلامی، سودان.
۱۵. شثری، سعد بن ناصر. (۱۴۲۷ق.). **أدب الحوار**. ریاض: دار كنوز إشبیلیا للنشر والتوزيع.
۱۶. صلابی، علی محمد. (۱۴۴۶هـ). **السيرة النبوية عرض وقائع وتحليل أحداث**. استانبول: دار الاصاله.
۱۷. طبری، محمد بن جریر. (۲۰۰۰م). **جامع البيان عن تأويل آي القرآن**. قاهره: مؤسسة الرسالة.
۱۸. عوده، عبدالقادر. (۱۳۹۴ش). **حقوق جزای عمومی**. مترجم: دکتر حسن فرهودی نیا. تهران: نشر احسان.
۱۹. قطب، سید. (۱۳۸۶ش). **فی ظلال القرآن فارسی**. ترجمه: مصطفی خرم دل. تهران: احسان.
۲۰. نشابوری، ابوالحسن، مسلم بن حجاج. (۱۳۷۴هـ/ ۱۹۵۵م). **صحيح مسلم**. تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

References

1. Ebrahimi, Mohammad. (1989). *An Introduction to Islamic Law*. Tehran: SAMT Publishing. [In Persian]
2. Ibn Mājah, Abū `Abdullah Muḥammad ibn Yazīd. (2009). *Sunan Ibn Mājah*, ed. Shu'ayb al-Arna' ūt et al. Cairo: Al-Risalah Al-`Ālamiyyah. [In Arabic]

3. Ibn Hishām, 'Abd al-Malik ibn Hishām ibn Ayyūb. (1990). *Al-Sīrah al-Nabawiyyah (The Prophetic Biography)*, ed. Ṭāhā 'Abd al-Ra'ūf Sa'd. Beirut: Dār al-Jīl. [In Arabic]
4. Abū Zahrah, al-Imām al-Jalīl al-Shaykh Muḥammad. (n.d.). *Zahrat al-Tafāsīr*. Cairo: Dār al-Fikr al-'Arabī. [In Arabic]
5. Al-Ḥamad, 'Abd al-Raḥmān ibn Nāṣir al-Sa'dī. (2015). *Sharḥ Manzūmat al-Qawā'id al-Fiqhiyyah*. Kuwait: Maktabat al-Imām al-Dhahabī li-l-Nashr wa-l-Tawzī'. [In Arabic]
6. Bukhārī, Abū 'Abdullah Muḥammad ibn Ismā'il. (2001). *Al-Jāmi' al-Musnad al-Ṣaḥīḥ al-Mukhtaṣar min Umūr Rasūl Allāh ﷺ wa-Sunanih wa-Ayyāmih*, ed. Muḥammad Zuhayr ibn Nāṣir al-Nāṣir. Beirut: Dār Ṭawq al-Najāh. [In Arabic]
7. Baghawī, Abū Muḥammad al-Ḥusayn ibn Mas'ūd. (2000). *Ma'ālim al-Tanzīl fī Tafsīr al-Qur'ān (Tafsīr al-Baghawī)*, ed. 'Abd al-Razzāq al-Mahdī. Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī. [In Arabic]
8. Ibn Ḥibbān, Abū Ḥātim Muḥammad. (1988). *Al-Iḥsān fī Taqrīb Ṣaḥīḥ Ibn Ḥibbān*, ed. Shu'ayb al-Arna'ūt. Beirut: Mu'assasat al-Risālah. [In Arabic]
9. Ibn Kathīr, Abū al-Fidā' Ismā'il ibn 'Umar al-Dimashqī. (1988). *Al-Bidāyah wa-l-Nihāyah*, ed. 'Alī Shīrī. Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī. [In Arabic]
10. Ibn Kathīr, Abū al-Fidā' Ismā'il ibn 'Umar al-Dimashqī. (1999). *Tafsīr al-Qur'ān al-Aẓīm*, ed. Sāmī ibn Muḥammad Salāmah. Damascus: Dār Ṭayyibah li-l-Nashr wa-l-Tawzī'. [In Arabic]
11. Tirmidhī, Abū 'Īsā Muḥammad ibn 'Īsā. (1975). *Sunan al-Tirmidhī*, ed. Aḥmad Muḥammad Shākir, Muḥammad Fu'ād 'Abd al-Bāqī et al. Cairo: Maktabat wa Maṭba'at Muṣṭafā al-Bābī al-Ḥalabī. [In Arabic]
12. Zuhaylī, Muḥammad Muṣṭafā. (2011). *Religious Freedom in Islamic Sharia: Dimensions and Regulations. Journal of Economic and Legal Sciences, University of Damascus*, No. 27. [In Arabic]
13. Zuhaylī, Wahbah. (2006). *The Right to Freedom in the World*. Damascus: Dār al-Fikr. [In Arabic]
14. Sayyid Aḥmad, Mu'āwiyah Aḥmad. (2009). *Freedom of Opinion and Expression in Islamic Legislation. Journal of Sharia and Islamic Studies*, No. 13, Ṣafar 1430 AH. Sudan: Faculty of Sharia, University of the Holy Quran and Islamic Sciences. [In Arabic]
15. Shathrī, Sa'd ibn Nāṣir. (2006). *Adab al-Ḥiwār (The Ethics of Dialogue)*. Riyadh: Dār Kunūz Ishbīliyyā li-l-Nashr wa-l-Tawzī'. [In Arabic]
16. Ṣallābī, 'Alī Muḥammad. (2025). *Al-Sīrah al-Nabawiyyah: Presentation of Events and Analysis*. Istanbul: Dār al-Aṣālah. [In Arabic]
17. Ṭabarī, Muḥammad ibn Jarīr. (2000). *Jāmi' al-Bayān 'an Ta'wīl Āy al-Qur'ān*. Cairo: Mu'assasat al-Risālah. [In Arabic]
18. 'Udah, 'Abd al-Qādir. (2015). *General Criminal Law*. Translated by Dr. Ḥasan Farḥūdī-Niyā. Tehran: Nashr-e Eḥsān. [In Persian]
19. Quṭb, Sayyid. (2007). *In the Shade of the Qur'an* (Persian translation). Translated by Muṣṭafā Khurramdel. Tehran: Eḥsān. [In Persian]
20. Nayshābūrī, Abū al-Ḥasan Muslim ibn Ḥajjāj. (1955). *Ṣaḥīḥ Muslim*, ed. Muḥammad Fu'ād 'Abd al-Bāqī. Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī. [In Arabic]